

نوشته های

از

نسل نوین



ویسپوبیش، سال ۱، شماره ۷



برنامه ریزیدن



بدیع ولی نیا

یه مشکل بزرگی که مطمئنم خیلیا می‌دارن و ما نوجوونا به‌خصوص این روزا، خیلی باهاش دست‌وپنجه نرم می‌کنیم، مشکل تلف کردنِ وقته!

وقت وقت وقت وقت



من خودم همیشه این حسّو دارم که دارم وقت زیادی هدر می‌دم طوری که حتی نمی‌دونم چطور دقیقه‌ها این‌جوری دارن از دستم می‌رن! نگاه که می‌کنم، بیشتر وقتم تو فضای مجازی می‌گذره... تو اینستا، یوتیوب، تلگرام و این حرفا!



گاهی می‌شینم با خودم فکر می‌کنم که جای این همه ساعت که با گوشی تو این برنامه‌ها می‌گذرونیم، چه کارای دیگه‌ای می‌شه کرد که نمی‌کنیم؟! مدیونین فکر کنین که اومدم اینجا کسی رو نصیحت کنم‌ها. واقعیتش اصلاً تو جایگاهی نیستم که بخوام کسی رو نصیحت کنم چون - بین خودمون باشه - خودم داغانم بابا، داغان! در واقع اصل فایده‌اش اینه که وقتی به بقیه پند و اندرز می‌دم، خودمم بهتر دوزاریم می‌افته و یاد می‌گیرم!

اسم این سیستم رو باید گذاشت، «نصیحت دیگران برای فهم خود» یا یه همچین چیزی!

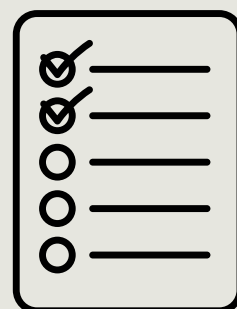


البته شاید شما جزو معدود کسانی باشین که خیلی خوب وقتتونو مدیریت می‌کنین و الان دارین با نیشخند، این نوشته‌های منو می‌خونین. در این صورت لازم نیست نوشته منو کامل بخونین و از هدیه‌ای که براتون دارم استفاده کنین! حالا یه کمی توی خُماریش بمونین تا بعد بگم هدیه‌تون چیه...



یادم میاد وقتی بچه‌تر بودم، خیلی راحت می‌تونستم برنامه‌ریزی کنم و یه کارایی رو سر وقت انجام بدم. ولی وقتی بزرگ‌تر شدم، همه‌چی الکی پیچیده‌تر شد جوری که ده تا یکی هم نمی‌شد روی برنامه موند!

اما من اخیراً یه برنامه واسه خودم ریختم که انشاءالله اگه خیلی تنبلی نکنم، قراره بهش عمل کنم! این که می‌گم «اگه تنبلی نکنم!»، خُب چون خودمو می‌شناسم و دارم با خودم راه میام!



خلاصه‌اش کنم که تو این سیستم، اولش خیلی از کارایی که باید می‌کردمو، نکردم و حسابی از لذات و مضرّاتِ تنبلی سرشار شدم!



بعدش تموم دغدغه‌ام این شد که هفته‌ی بعدش خودمو برسونم... فشار شدیدی بود تا بالاخره

تونستم یه راهی پیدا کنم که کمک کنه سریع‌تر و راحت‌تر به هدف برسم؛ یه سیستم خاص خودم که اگه قول بدین به هیشکی نگین به شما هم

می‌گم! این همون هدیه است که مفت و مجانی

بهتون تقدیم می‌کنم و بیست سال دیگه وقتی

اسم رو مثل ماسک، جابز یا تسلا شنیدین، یادتون

بیفته که همه‌چی درست از همین‌جا و همین

سیستم برنامه‌ریزی به ظاهر ساده شروع شد...



راستش بذارین از اینجا شروع کنم که من چون آدم دقیقی نیستم - و بعید می‌دونم که هیچ‌وقت هم بشم - تصمیم گرفتم دیگه واسه خودم، زمان دقیقی برای انجام کارا نذارم! یعنی سیستم جدید من اینطوره که پنج روز کاری هفته رو انتخاب می‌کنم و واسه هر روز، کلّ کارایی که باید انجام بدم رو می‌نویسم.

مثلاً اینا برای یک روز کاریه:

- مطالعه آزاد فارسی (۱۰ صفحه)
- مطالعه آزاد انگلیسی (۵ صفحه)
- کمک به خانواده و کارای خونه (۳۰ دقیقه)
- رفتن به دنیای مجازی (۳۰ دقیقه)
- پلی‌استیشن (۳۰ دقیقه)
- درس و مشق (۲ ساعت)
- تمرین موسیقی (۳۰ دقیقه)
- ورزش (۳۰ دقیقه)

...۹



هرکدومو که انجام بدم، تیک می‌زنم که انجام شد... به همین راحتی! چیزی هم اگه جا بیفته، تو روزای تعطیل که به کل آزادن، جبران می‌کنم. این وسط فقط یه عادت وحشتناک هست که لازمه همین حالا بگم: اگه روز اول و دوم هفته رو با برنامه شروع نکنم، خیلی راحت می‌ذارم بقیه روزا هم بدون برنامه بگذرن! یعنی هی فکر می‌کنم: «باشه واسه هفته بعد!»

فارغ از این، این روزا سعی می‌کنم با این روش جدیدم - کار محور، بجای زمان محور - پیش برم، شاید که شما هم بتونین ازش استفاده کنین. فقط یادتون نره که اگه نتیجه داد، حسابی منو دعا کنین!



مخلص همگی؛

نابغه‌ی برنامه ریزیدن قرن ۲۱

بدیع خستگی‌ناپذیر!